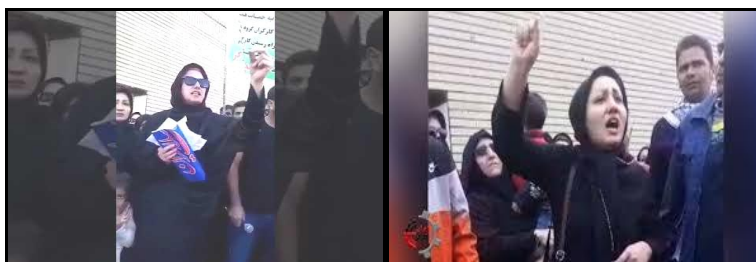


اعتصاب سندیکای نیشکر هفت تپه و زنان کارگر!



سحر صبا

" در مبارزه طبقاتی بهتر است در کنار برادران کارگر پیکار کنیم. ما زنانی نیستیم که در مبارزه بر ضد مردان صف کشیده باشیم بلکه کارگرانی هستیم که بی ضد استثمارگران مبارزه می کنیم."

کارگران نیشکر هفت تپه با مقاومت یکپارچه خود در مبارزه ای آشتی ناپذیر با دولت و کارفرمایان ثابت کردند که در دشوارترین لحظات هنوز کارگران مبارزی هستند که می توانند منافع مشترک خود را، بمثابه یک طبقه به منافع مشترک طبقه کارگر پیوند زده، و نگذارند دشمنان خلی در صفوف فشرده آنها بوجود بیاورند.

بُعد وسیع و رادیکال بودن اعتصاب پر شکوه و قدرتمند کارگوان نیشکر هفت تپه در سطح ایران و جهان طنین انداخته است. کارگران نیشکر هفت تپه با مبارزه پیگیر در مقابل فشار دولت و کارفرمایان ثابت کردند توانایی این را دارند که خواسته ها و مطالبات خود و طبقه کارگر را فریاد زنند، و با اتحاد و همبستگی طبقاتی آن را به کارفرمایان تحمیل نمایند. اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز و.... نشان داده است، که کارگران با اتکاء به نیروی خود، هیچ توهمی به کارفرماها و دولت نداشته، هر روز با ادامه مبارزه، ضمن ارتقاء آگاهی سیاسی و طبقاتی و فشرده نمودن صفوفشان، توطئه های اعتصاب شکنان و کارفرماها را خنثی نموده و متشکل تر میشوند. در این مدت کوتاه کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز.... با رویکرد مبارزاتی که از خود نشان داده اند، با پی بردن بیشتر به خصلت‌های استثمارگرانه نظام حاکم سرمایه، سعی نموده اند وحدت و همبستگی بین بخشهایی از طبقه کارگر و سایر جنبشهای اجتماعی را برقرار نمایند. اعتصابات اخیر، نه تنها انگیزه و اندیشه مبارزه را در کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز... بلکه در کل طبقه کارگر ایران برای آزادی از ستم و استثمار سرمایه برانگیخته است. این اعتصاب افق روشنی را از مبارزه، مقاومت، ایمان آوردن به نیرو و آگاهی طبقاتی را پیش‌سازوی جنبش کارگری قرار داده است، باعث شده چشم کارگران را نه فقط به ماهیت سرمایه داران بلکه به ماهیت دولت و قوانین آن که خود بزرگترین کارفرما است را بگشاید.

سیر جهشی این حرکت تا کنون دستاوردهای مهمی در رابطه با اتحاد و همبستگی کارگری و در پیوند با جنبشهای اجتماعی به همراه داشته است. یکی از بارزترین دستاوردهای این حرکت به میدان آمدن زنان کارگر و خانواده های کارگری است، که در سیر حرکتی اخیر مبارزات آنها وارد فاز جدیدی شده است. زنان کارگر هفت تپه بمثابه یک بخش مهم این حرکت در صف مقدم دوش به دوش با مردان کارگر قرار گرفته اند، نه همانند نیرویی پشت جبهه که هم طبقه ایهای مرد خود را یاری رسانند. این زنان همچون کارگران مرد استثمار را در زندگی روزانه اشان تجربه کرده اند، آنها به این درک طبقاتی رسیده اند که منفعتی جدا از کارگران مرد ندارند، تنها در اتحاد و همبستگی با هم‌زمان کارگر خواهند توانست صفوف و نیروی طبقاتی خود را قویتر نموده، و بر علیه ستم و استثمار سرمایه داری بپا خیزند.

حمایت زنان و خانواده های کارگری از مبارزات و اعتصابات کارگری بویژه دو سندیکای نیشکر هفت تپه و شرکت واحد بار اول نیست که اتفاق می افتد، ما در گذشته هم شاهد فداکاری و مبارزه پر توان زنان کارگر و خانواده های این دو تشکل بوده ایم.

زمانی که طبقه کارگر با یک منفعت مشترک اقتصادی - سیاسی رودروی سرمایه قرار میگیرد، در واقع کل طبقه است که در این مبارزه طبقاتی درگیر میشود. خانواده های کارگری بعنوان یک بخش از کل طبقه نقش مهمی در مبارزه ایفاء مینمایند. بعنوان مثال اگر به مبارزات خانواده های دو تشکل سندیکای شرکت واحد و هفت تپه در گذشته مروری کنیم، متوجه خواهیم شد که نقش زنان در مبارزات کنونی ادامه همان مبارزات گذشته میباشد، با تفاوتها و ویژه گیهایی که این نوشته به آن خواهد پرداخت.

دفاع از دو تشکل سندیکایی و بازداشت شدن رهبران این سندیکاها و کارگران مبارز شرایطی را ایجاد نمود، که سبب شد زنان و خانواده های آنها در یک رودروی و مبارزه طبقاتی علیه نظام جنایتکار جمهوری اسلامی سرمایه همسو با همسرانشان قرار گیرند. زنان کارگران دستگیر شده عضو سندیکا در موارد مختلفی آگاه بودن خود را به منافع طبقاتیشان در برخورد با مزدوران سرمایه به اثبات رساندند. آنها در هنگام حمله وحشیانه اوباشان رژیم به منازلشان و سپس هنگام بازجویی و دستگیرییشان در "منکرات" و زندان اوین با شهامت و جسارت از همسرانشان دفاع نمودند. با وجود اینکه عده ای از این زنان شاغل نیستند، و خود در بوجود آوردن این تشکل ها نقش مستقیم نداشته اند، اما در بازجویی ها با روحیه مقاوم بسیار بالایی ضمن تاکید کردن عمل درست همسرانشان در امر تشکل یابی با تمام وجود از این حرکت به نفع کل طبقه به دفاع پرداختند و بقیه را هم تشویق نمودند به این حرکت بپیوندند.

زنان کارگر نیشکر هفت تپه زنانی هستند که خود کارگران و مستقما مورد استثمار قرار می گیرند، یا بعنوان همسر و مادر، در کار خانگی بدون مزد مشغول کار هستند، و در جامعه مورد ستم جنسیتی و طبقاتی قوانین سرمایه داری قرار می گیرند. این زنان کارگر در نیشکر هفت تپه بارها به اثبات رسانده اند که بدون حضور چشم گیر آنان، مبارزه به سادگی به پیش نخواهد رفت.

در دوره های گذشته سالهای ۸۶ و ۸۷ از اولین روزهای اعتراض و اعتصاب در هفت تپه کارگران زن و همسران کارگران در صف مقدم مبارزه بوده و این حضور، نیروی طبقاتی مبارزه کارگران را تقویت را دوجندان نموده است.

زنان کارگر نیشکر هفت تپه به تمامی زنان کارگر که نصفی از جمعیت طبقه امان را رقم میزنند، راه اتحاد و همبستگی، مبارزه طبقاتی و باور به نیروی خود را نشان میدهند. تنها زمانیکه زنان بمثابه زنان کارگر می توانند اعتماد به نفس لازم را برای مبارزه همدوش با کارگران مرد بر علیه استثمار طبقاتی بدست آورند که از اتحاد و همبستگی برخوردار باشند. دوش به دوش کارگران مرد علیه ستم طبقاتی و جنسیتی ات که نظام سرمایه داری بر آنان به مثابه یک زن روا داشته به مبارزه برخیزند. استثماری که کارگران مرد و زن به یکسان در کارشان تجربه می کنند، آنان را به سازمان دهی جمعی علیه سرمایه داری رهنمون می دهد. زمانیکه طبقه کارگر همبسته و با اتحاد عمل به میدان می آید و آنجا است که وجود زنان کارگر بطور یکسان و هماهنگ در کنار مردان کارگر ضرورت می یابد، و این یکی از دستاوردهای با ارزش این اعتصاب نیشکر هفت تپه است. شرکت چشمگیر زنان کارگر در این اعتصاب و فریادشان بر علیه ستم و استثمار طبقاتی همراه با هم طبقه ایهای مردشان قطعا به موضوع تاریخ "جنبش کارگری" بر علیه استبداد چهار دهه نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی تبدیل خواهد شد.

بنا به تاریخ مبارزاتی جنبش کارگری در سطح ایران و جهان، زنان کارگر، در دوره های بحران اقتصادی- اجتماعی در بسیاری موارد پیشتازتر و جسورانه تر از مردان در میدان مبارزه ظاهر شده و میشوند. زنان کارگر نصف طبقه کارگر هر جامعه ای، معرف نیمی از کل نژاد بشریت هستند و جنبش زنان کارگر یک بخش جدا ناشدنی از کل جنبش کارگری است، برای نیل به اهداف و احقاق حقوق خود نیازمند این است که مبارزه اش به کل مبارزه طبقه کارگر بپیوندد. نطفه های این پیوند را نیشکر هفت تپه امروز بنیان نهاده است. به میدان آمدن زنان کارگر نیشکر هفت تپه گویای این است، که زن کارگر، بیش از اینکه، عضوی از یک طبقه است که در بندگی محرومیت های اقتصادی- سیاسی و اجتماعی نگه داشته شده، در کوشش برای آزادی خود از قید این بردگی، راهی جز مبارزه برای رهایی طبقه خود ندارد، به این معنا آزادی او از ستم جنسیتی و طبقاتی فقط و فقط مستلزم آزادی طبقه اش است.

زنان کارگر وقتی در میدان مبارزه با هم طبقه ایهای کارگر مرد ظاهر میشوند، به این معنا است که از چارچوب تنگ سنتها و رسوم جامعه مرد سالاری گسست نموده و به منافع طبقاتی خود آگاه شده اند، با پیوند دادن جنبش زنان و مردان

کارگر، برای منافع طبقاتیشان که جدا از منافع طبقاتی همطبقه ایهای کارگر مردشان نیست می جنگند.

در جنبش توده ای 88، اصلاح طلبان در جنبش زنان دست بالا را داشتند، و هژمونی گرایش لیبرالی بر حرکت زنان و جنبش زنان کاملاً محسوس بود، اما طیف وسیعی از زنان اقشار و طبقات مختلف و بطور مشخص زنان کارگر هم بشکل پراکنده در این جنبش شرکت داشتند زنان مبارز با حرکت‌های ساختار شکنانه گام‌های محکمی در تضعیف و غلبه بر این هژمونی بر داشتند. اهمیت نقش تعیین کننده ای که زنان مبارز در گسترش و رادیکالیزه نمودن جنبش ضد استبداد ایفا نمودند در آن بود که آنها انزوا طلبی سیاسی و اجتماعی زنان را در مبارزه با نظام زن ستیز در هم شکستند، و اگر جنبش‌های دیگر اجتماعی بویژه جنبش کارگری به عنوان یک طبقه در این جنبش توده ای ظاهر میشد این امکان وجود داشت زنان در اجتماعات بزرگ و فعال خود بتوانند متحدین خود را در طبقات پیشرو جامعه و در تقابل با طبقات و اقشار مرتجع نظام حاکم گسترش دهند و حرکت زنان را از سیطره هژمونی خط مشی لیبرالی خارج نموده و آنها را به حاشیه برانند. ما شاهد بودیم این جریان لیبرالی حاشیه ای شد و فعالیت زنان هم برای دوره ایی در سطح وسیعی به انزوای سیاسی و اجتماعی سوق داده شد، و ظاهراً اثری از فعال بودن زنان در سطوح مختلف جامعه بعنوان نمادی از این جنبش دیده نشد.

اما آزمون نکته قوت جنبش کارگری و جنبش زنان کارگر این بود که اصلاح طلبان و گرایش لیبرالی نتوانستند، هژمونی خود را بر آنان اعمال کنند. مبارزه طبقاتی بین دولت اسلامی سرمایه در رابطه با جنبش کارگری، و دیگر جنبش‌های اجتماعی بطور متداوم و پراکنده ادامه داشته، گرچه این مبارزات با فراز و نشیب‌هایی روبرو بوده اما هیچگاه تعطیل نشد. تا اینکه در دیماه سال گذشته اعتراضات سراسری مردمی در یک خیزش توده ایی بمدت ده روز در بیش از صد شهر ایران خود را به نمایش گذاشت، زنان در صف مقدم این مبارزه نقش مهم و برجسته ایی داشتند. این جنبش اینبار از کلیت نظام سرمایه جمهوری اسلامی عبور کرده و کل جناح‌های درون حکومت را زیر سوال برد. جنبش‌های اجتماعی، بویژه جنبش کارگری، جنبش زنان و جنبش زنان کارگر جان تازه ایی یافتند. این حرکت حاوی دستاوردهای بسیار ارزنده ایی بود، ترس و رعب مردم در مقابل استبداد و نظام سرکوبگر جمهوری ریخت، مردم به نیروی متحد و اراده جمعی خود ایمان آوردند، مهمتر از همه مناسبات سرمایه را بدون توهمی به این جناح و آن جناح نه تنها زیر سوال بردند بلکه خواستار تغییر این مناسبات شدند. این نکته عطفی در تاریخ مبارزات توده ایی کارگر و زحمتکش ایران است که زمینه را برای مبارزه طبقاتی بر علیه رژیم هموار نموده است.

بدنبال آن ما شاهد مبارزه آشتی ناپذیر و مداوم کارگران نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز..... هستیم، که مدتها است با اعتراضات، اعتصابات و همبستگی و اتحاد با سایر جنبش‌های اجتماعی با سر دادن شعار " نان، کار، آزادی و اداره شورایی" خیابانها را تسخیر نموده، و خواب راحت را از چشمان کارفرمایان و حاکمان سرمایه زوده اند. گرچه اسماعیل بخشی یکی از پیشروان این جنبش همراه تعدادی دیگری از فعالین کارگری دستگیر شدند، بخصوص اسماعیل مورد شدیدترین شکنجه ها و بازجویی های قرون وسطایی جنایتکاران رژیم قرار گرفت، اعتصاب بدون تحقق خواسته ها و مطالبات آن، با توطئه و تفرقه افکنی و همکاری عده ایی از خودفروختگان همچون رضا رخشان و امثالهم که دست در دست شورای کار اسلامی و کارفرمایان دارند خاتمه یافت. در پروسه مبارزه، هر اعتصابی بنا به توازن قوای طبقاتی کارگران در مقابل دشمنان امکان پیروزی و شکست را دارد. اما هر کدام از این برد و باخت هم حاوی دستاورد ها و تجارب گرانبهائی است که کارگران را در اعتصابات بعدی در نزدیک شدن به پیروزی گامها جلو خواهد برد. اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه از جمله این اعتصابات است. این اعتصاب چهره رنگارنگ دشمنان طبقاتی از کارفرماها، دولت و خائنان به طبقه کارگر که فریاد کارگر بودن را میزنند اما در عمل ضد کارگر و در خدمت به سرمایه اند را افشاء نمود و باعث زدودن توهم کارگران به درجه زیادی نسبت به دشمنان طبقاتی شد. اتحاد و همبستگی بین طبقه کارگر و دیگر جنبش‌های اجتماعی را بمراتب زیادی افزایش داد. این اعتصاب باعث شد کارگران به نیروی طبقاتی خود ایمان بیاورند، تا جائیکه اعلام کنند خودشان قادر خواهند بود از طریق اداره شورایی سرنواشت خود را در دست گیرند. اینها دستاوردهایی است که تا کنون این اعتصاب با پایان یافتنش داشته است.

زنان کارگر همانطور که اشاره شد در این حرکتها نقش برجسته ایی با شرکت مستقیم خود و فریاد زدن خواستها و مطالباتشان ایفاء نموده اند.

بر این مبنا است، که امروز مبارزات جنبش کارگری و بویژه جنبش زنان کارگر با اتحاد و اجتماعی شدن می‌رود افقی را تعریف کند که نه فقط آزادی و برابری برای خود بلکه برای کل جامعه را به همراه داشته باشد.

رشد رو بجلو جنبش زنان کارگر نه فقط تضمین کننده رشد و تقویت و بهم پیوستگی جنبش کارگری است بلکه آن حلقه ایی است که این توانایی را دارد جنبش زنان را به جنبش کارگری و جنبش زنان کارگر پیوند دهد.

به میدان آمدن زنان کارگر و مبارزه اشان دوش به دوش هم طبقه ایهای مردشان، به معنای گسستن از زنجیر و بردگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی مناسبات سرمایه داری، بویژه سنتهای مرد سالارانه جامعه طبقاتی و رها شدن از تحمیل کار بی مزد خانگی است، این حرکت جنبش زنان کارگر گرچه در مراحل اولیه و شکل گیری است اما نوید دهنده تغییر و تحول اجتماعی ای خواهد بود که رهایی کل زنان را به همراه خواهد داشت.

با اتکاء به این نکته عطف تاریخی در جنبش کارگری، که نقش بارز زنان نیشکر هفت تپه در آن چشمگیر است، با توجه به اینکه جنبش زنان کارگر و جنبش زنان که تنها مربوط به تاریخ مبارزاتی امروز نیست، بلکه در گذشته هم برای رهایی از ستم و بردگی، تاریخی را پشت سر گذاشته اند، وظائف مهمی را جلو پیشتازان این جنبشها در برگزاری 8 مارس روز جهانی زن با پیوند دادن جنبش کارگری و جنبش زنان می گذارد. در حالیکه زنان کارگر، پرچمدار و پیشاپیش این حرکت بوده، با فشرده نمودن صفوف زنان و مردان آزادیخواه بر علیه ستم طبقاتی و جنسیتی که تا کنون بر کل زنان جامعه روا شده، خواستها و مطالبات خود را فریاد زنند و این روز را گرامی بدارند.

دسامبر ۲۰۱۸